

بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در قرون اول تا سوم هجری

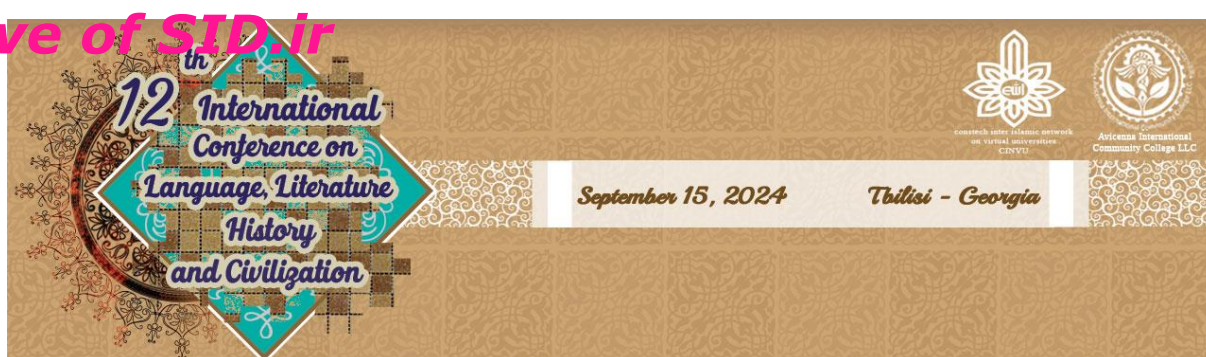
سمیه رضائی زاده زنگی آبادی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

مهم‌ترین فرصت‌های ادبیات پایداری برخوردار از پشتوانه‌های فرهنگی چند هزار ساله شامل اساطیر، تاریخ پر از جنگ و استبداد و مذهب انقلابی تشیع است. با بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در آثاری که از دوره‌های اول زبان فارسی وجود دارد می‌توان ریشه‌ها و پشتوانه‌های این نوع ادبی را دید. کتاب‌هایی که در محدوده‌ی قرن‌های اول تا سوم نوشته شده است یا برای تبیین دین زرتشت و یا برای جواب دادن به شبهه‌های مطرح شده در مقابل ادیان دیگر و مخصوصاً برای از بین نرفتن در مقابل دین نوظهور اسلام و برخی از آنها نیز برای حفظ فرهنگ گذشته نوشته شده است. شاخص‌ترین اثری که بتوان آن را مستقل در حوزه ادبیات پایداری عنوان کرد، یادگار زریران است که درباره مبارزه گشتاسب و فرزندان او با ارجاسب برای مقاومت در انتخاب و پذیرش دین زرتشت بوده است. شاخص‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری که در این کتب مشاهده شد دعوت به آزادی و آزادگی، اعتراض نسبت به وضع موجود و مقاومت در برابر زورگویی، ایستادگی در برابر نفس سرکش و مبارزه با شیطان، دشمن ستیزی، تحقیر و تقیح دشمن، وطن دوستی، انتقاد از بی بصیرتی حاکمان و دگرگونی ارزش‌ها، ذکر دلاوری‌ها و و پایداری‌ها، نوید دادن پیروزی در آینده و اعتقاد به ظهور منجی، غیرت دینی بر ضد استعمار و استبداد، ذکر اوصاف بیگانگان و توصیف جامعه‌ای مطلوب است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، مؤلفه‌های ادبیات پایداری، یادگار زریران



۱- مقدمه

ادبیات پایداری در جهان ریشه در گذشته های دور دارد و تاریخچه آن در حقیقت همان تاریخ ادبیات جهان است؛ زیرا شاعران و نویسندگان متعهد از همان آغاز در کنار مردم مبارز و عدالت جو بوده و در طول زمان با سرودن چکامه ها و نوشتن خطابه ها ضمن تشویق مردم به پایداری دلیری ها و از خود گذشتگی های مبارزان راه حق و حقیقت را در آثار خود آشکار کرده اند.

«ادبیات پایداری سابقه ای به قدمت تمدن بشری دارد و در هر دوره ای متناسب با شرایط و موقعیت آن رخ می نماید و در شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی های فردی و اجتماعی، قانون گریزی و قانون ستیزی جلوه گری می کند. جان مایه ای این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه ی حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان های ضد آزادی است. ادبیات پایداری دربردارنده ی آثار ادبی است که از نظر مفهوم و هدف مخاطب را به پایداری در برابر دشمن فرا می خواند و در ذات آن حقیقت خواهی و امید به آینده همواره فراروی خالق اثر و بطن متن ادبی وجود دارد.» (رحمان دوست، ۱۳۷۹: ۱۶۶)

ادبیات مقاومت می کوشد تا اهداف خود را با به تصویر کشیدن شرایط سخت و طاقت فرسایی که انسان با آن پنجه نرم می کند، محقق سازد و چهره ی دشمنی را که در پی نابودی انسان است، به تصویر بکشد. ادبیات پایداری در ایجاد بیداری و آگاهی مردم و پاسداشت حریم ارزش ها نقش مهمی را ایفا می کند. ادبیات پایداری ادبیاتی است که پایه های حضور واقعی انسان را فراهم می سازد تا در مقابل آنان که زندگی خود را بر ارزش های ثروت اندوزی، طمع کاری و سلطه طلبی که همواره بر درگیری و نزاع استوار می سازند؛ رویارویی کند.» (آل بویه، ۱۳۹۰: ۲)

«می توان ادبیات پایداری را به هر نوع ایستادگی و رویارویی انسان که در قالب شعر و نثر پدید می آید، گسترش داد در این صورت سروده های نخستین انسان در ستیز با عناصر طبیعت و عوامل مرموز و مؤثر در سرنوشت ها و سروده هایی که ستیز انسان با خویش و خواهش های شکننده و اسارت آفرین را باز می گوید و همه آثاری که به جنگ های تاریخ ملت ها مربوط می شود در قلمرو ادبیات پایداری قرار می گیرد. بنابراین ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می شود که از زشتی ها و پلشتی های بیداد داخلی یا متجاوزان بیرونی در همه ی حوزه های سیاسی و فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی هنرمندانه و ادیبانه پرده برمی دارد. این ادبیات به مبارزه و پایداری در مقابل جریان های ضد آزادی و ایستادگی در برابر آنان تشویق می کند و متضمن رهایی رشد و بالندگی جوامع انسانی است.» (شکری غالی، ۱۳۶۶: ۱۱) ذات و سرشت انسان نمی تواند بدی و ظلم را برتابد، به همین علت در برابر استبداد و ظلم سکوت نکرده و فریادهای درونی خود را به شیوه اعتراض و مقابله بروز می دهد و آنها را در قالب کلمات بیان کرده و ادب مقاومت پدید می آید.

ادبیات پایداری، ادبیات ستیهندگی و عشق است. ادبیات توفنده و پر تلاطمی که آلودگی به یأس و سکون را نمی پذیرد و بسان روح، پیوسته در کالبد خمود ادبیات هر عصر دمیده می شود. در واقع این گونه ادبی در طول تاریخ و در کشاکش



تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر، همواره به مثابه ابزار و سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیاء تدوام و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است. (بصیری، ۱۳۸۷: ۹۱)

ادبیات فارسی حتی پیش از ورود اسلام هیچگاه از عنصر اعتراض و مقاومت خالی نبوده و نویسندگان ایرانی در همه ادوار به صراحت یا به اشارت نقد قدرت را و جبهه همت خود قرار داده‌اند. بیداری ایرانیان و قیام عمومی بر ضد سلطنت مطلقه و دخالت اجانب، زائیده عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فکری و هم چنین زنجیره‌ای از علل و عوامل شتاب‌دهنده‌ی موضعی و مقطعی بود که سرانجام در دوره‌ی مظفرالدین شاه به اوج خود رسید و در قالب نهضت مشروطه‌خواهی تجلی یافت. مشروطه‌ی ایرانی با آنکه به لحاظ تئوریک ابتر و عقیم بود منشأ بسیاری از تحولات در همه شئون حیات از جمله شعر و ادبیات گردید. ورود مفاهیم سیاسی - اجتماعی مدرن نظیر وطن، قانون، آزادی مجلس و.. موجب دگرگونی عمیقی در مضامین و به تبع آن تطور شئون حیات فردی و اجتماعی ایرانیان شد. (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۵)

۱-۱- بیان مسئله

اگرچه ادبیات مقاومت به شکل امروزی در گذشته ادبی ما نمود چندانی ندارد؛ اما می‌توان در همه آثار حماسی و نیز آثاری که در آن خوبی با بدی در تقابل است مؤلفه‌هایی از این نوع ادبی را یافت. در این پژوهش سعی بر این است که با مطالعه آثار قرون اول تا سوم این شاخصه‌ها را یافته و به نمونه‌هایی از آنها اشاره شود.

۱-۲- پیشینه تحقیق

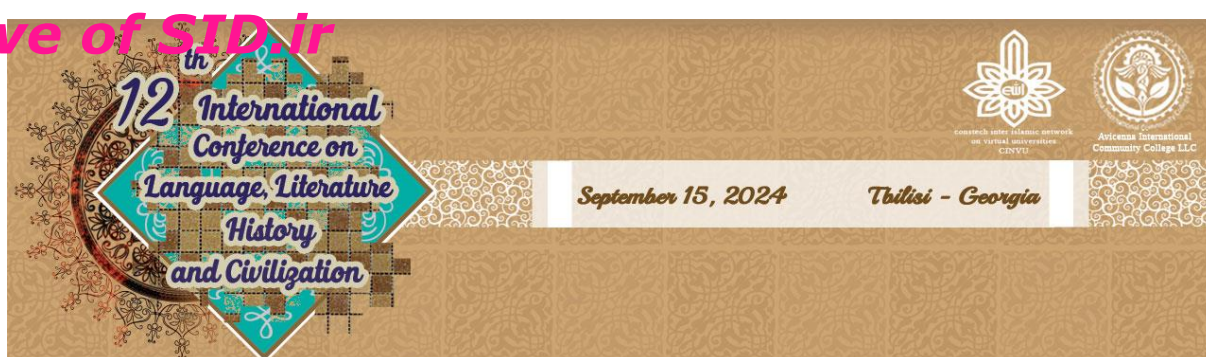
در زمینه شعر ادبیات پایداری تا کنون کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده و به چاپ رسیده است؛ اما بررسی جلوه‌های ادبیات پایداری در نثرهای نوشته شده در قرون اولیه ادب فارسی (قرن اول، دوم و سوم) به صورت کلی انجام نشده است.

۲- معرفی نثرهای قرن ۱ تا ۳

آثار نثر نوشته شده در قرنهای اول، دوم و سوم بنا به گفته ذبیح الله صفا در جلد یک کتاب تاریخ ادبیات به طور خلاصه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- بسیاری از کتب مشهور پهلوی که حاوی مطالب تاریخی و ادبی و حکم و مواعظ و عهود و مسائل علمی بود به عربی درآمد و از جمله مهم‌ترین آن‌ها: خدای‌نامه، داستان اسکندر، بلوهر و بوذاسف، کتاب الصور، کتاب السکسکین، آیین‌نامه، گاه‌نامه، داستان بهرام چوبین، داستان رستم و اسفندیار، داستان پیران ویسه، داستان دارا و بت زرین، کتاب زادانفرخ در تأدیب پسرش و.....

۲- در همان حال که ایرانیان به نقل بسیاری از کتب پهلوی به عربی سرگرم بودند؛ گروهی از علمای زرتشتی تألیف کتب را به لهجه و خط پهلوی ادامه می‌دادند در مسائل مختلف اخلاقی، دینی، تاریخی جغرافیایی و ادبی: دین کرت، بندهش،



داستان دینیک ارداویرافنامه، شکند گمانیک و یژار، زات سپرم، شایست نشایست، شترستانهای ایران، مادیگان چترنگ، مادیگان گجستک ابالیس، اندرژ آتورپات مارسپندان، مینوی خرد، بهمن یشت، جاماسپ نامگ

۳- آثاری که به زبان عربی نوشته می‌شد: اخبار الطوال، آثار ابن مقفع مثل الادب الکبیر و ...، عین الاخبار و ... (صفا، ۱۳۶۷: ج اول: صص ۱۳۰ تا ۱۸۹)

در بررسی آثار مربوط به قرن های اول تا سوم آثار نوشته شده به پهلوی یعنی آثار دسته دوم مورد بررسی قرار گرفت و کتاب های: دین کرت دفتر سوم و پنجم، بندهشن، ارداویرافنامه، شکند گمانیک و یژار (گزارش گمان شکنی)، گزیده- های زاد سپرم، شایست نشایست، شترستان های ایران، مادیگان چترنگ، مادیگان گجستک ابالیس، اندرژ آتورپات مارسپندان، مینوی خرد، ستایش سی روزه، اندرز اوشر داناک، بهمن یشت، جاماسپ نامگ، مادیگان ماه فروردین روز خرداد، اندرژ خسرو کواتان، داروی خرسندی، اندرژ داناک مرد، یادگار زریران و درخت آسوریک مطالعه شد.

در بین این متون پهلوی یادگار زریران، رساله حماسی و مذهبی کوتاهی است در اصل به زبان پارتی و قدیمی ترین داستان پهلوانی است که به زبان های ایرانی برای ما باقی مانده است و این کتاب نمونه ای بارز از پایداری در برابر زورگویی است که به خلاصه ای از آن اشاره می‌شود:

بعد از اینکه گشتاسپ و خاندان او به آیین مزدپرستی می‌گروند ارجاسپ شاه خیونان در نامه ای که به گشتاسپ می‌نویسد از او می‌خواهد که یا دست از دین نو بردارد یا آماده جنگ شود. چون گشتاسپ در دادن پاسخ به ارجاسپ دودلی نشان می‌دهد زریر برادر گشتاسپ از او اجازه می‌خواهد که جواب نامه را بدهد:

«پس گشتاسپ شاه چون آن سخن شنود (برایش) دشواری گران بود. و سپس آن تهم سپاهبد دلیر، زریر چون دید که گشتاسپ شاه ترسان (؟) شد زود اندرون اندر شد. و به گشتاسپ شاه گفت که اگر شما دایگان را پسند افتد من این نامه را پاسخ فرمایم کردن.» (عریان، ۱۳۷۱: ۵۰)

و سپس دلاورانه چنین پاسخ می‌دهد:

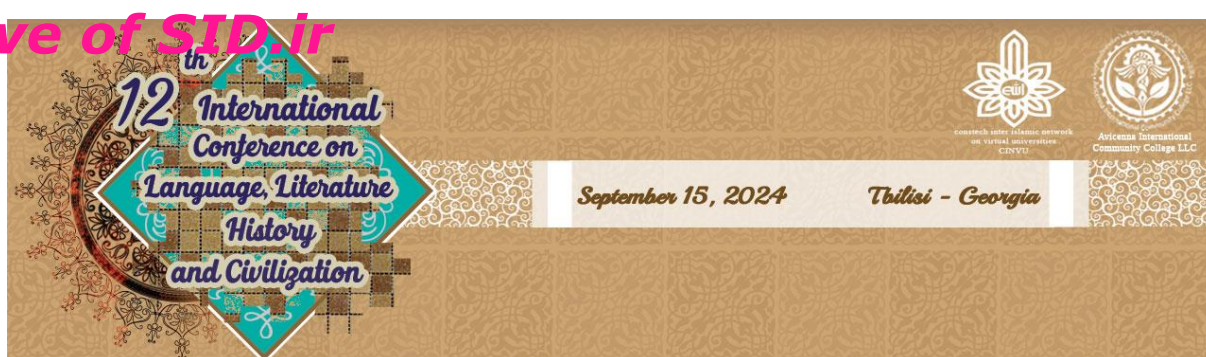
«از گشتاسپ شاه ایران به ارجاسپ خیونان شاه درود. در آغار ما این دین پاک را نهلیم و با شما همکیش نه شویم و ما این دین پاک را از هر مزد پذیرفتیم و به نه هلیم و با شما دگر ماه انوش خوریم.»

و با ارجاسپ قرار جنگ می‌گذارد:

«آنجا به بیشه هوتس و مرغ زردستان که نه کوه بلند و نه دریای ژرف (دارد) به آن دشت هامون، اسبان نیک پی (نتیجه نبرد را) گزارش (کنند). شما از آنجا آید تا ما (نیز) از ایدر آیم و شما ما را بینید و ما شما را بینیم (و) شما را نشان دهیم که چگونه دیو از دست یزدان نابود شود.» (عریان، ۱۳۷۱: ۵۱)

پیش از آغاز جنگ جاماسپ در پیشینی خود کشته شدن زریر و شاهزادگان ایران را در نبرد تن به تن با دشمن به گشتاسپ خبر می‌دهد:

«پس گشتاسپ شاه چون آن سخن شنود از فرخان گاه بر زمین افتاد.»



گشتاسب با شنیدن آن می خواهد از شرکت آنان در جنگ جلوگیری کند. جاماسب به گشتاسب می گوید در این صورت چه کسی می تواند از هجوم دشمن جلوگیری کند و چون او را از پیروزی نهایی ایران در جنگ آگاه می کند گشتاسب خشنود می شود.

گشتاسب در دفاع از دین خود می گوید:

« که اگر همه پسران و برادران و شاهزادگان من کی گشتاسب شاه و نیز آن هوتس که مرا خواهر و زن است .. همه بمیرند هر آینه من این دین پاک مزدیسنان را که از هر مزد پذیرفته ام به نهم.» (عریان، ۱۳۷۱: ۵۶)

در جنگ، زریر دلاورانه می جنگد:

« و آن تهم سپاهبد دلیر، زریر آنگونه نیکو کارزار کند چونان که ایزد آذر اندر نیستان افتد.» (عریان، ۱۳۷۱: ۵۶)

بعد از کشته شدن زریر در جنگ پسر خردسال او - بستور- پیشنهاد می دهد که انتقام خون پدر را بگیرد و گشتاسب به پیروی از اندرز جاماسب پیشنهاد او را قبول می کند. بستور در نبرد تن به تن با ویدرفش جادو او را می کشد.

« پس ار جاسب خیونان خدای از سر کوه نگاه کند و گوید که آن کیست، آن کودک کیانی دلیر که گردوار اسب دارد و گرد وار زین دارد و کارزار آنگونه نیکو کند چونانکه زریر ایران سپاهبد کرد.» (عریان، ۱۳۷۱: ۶۰)

پس از آن گرامی کرد (پسر جاماسب) و اسفندیار (پسر گشتاسب) ایرانیان را در جنگ با دشمن به پیروزی می رسانند.

۳- مؤلفه هایی از ادبیات پایداری

در ادامه، به بیان مؤلفه های ادبیات پایداری در دیگر آثار این دوره (قرن اول تا سوم) پرداخته می شود.

۱-۳ - دعوت به آزادی و آزادی خواهی

برای رسیدن به روشنای آزادی از تیرگی ظلم در آغاز دعوت به مهرورزیدن و آزاده زیستن می شود:

< درآموزه های دین > برای کشاندن < خیم - و - خوی > بدان به نیکی راهی هست < آن راه این است >: < با بدان > کارزار بخردانه نیست بلکه می باید بر آنان از سر مهر نکویی ورزید و بر آنان نکویی روا داشت ، تا آنکه بدتر - < مردمان > از راه < رفتار > خردمندانه به نیکی گرایند ؛ این است پسند و دستور دین بهی .» (فضیلت، ۱۳۸۱: ۸۲)

در صفحه سی و هفت گزیده های زاداسپرم قانون دوم از سه قانونی که زردشت به برتری آموخت، آمده: « اگر با شما به ستم رفتار کنند، دادگری پیشه کنید.» (راشد محصل، ۱۳۶۶: ۳۷)

روح تمرد و اعتراض ، تمردی که از نوع پوچگرایی نیست، بلکه هدفمند است که از درون می جوشد تشویق حرکت های مردم و انعکاس میراث درخشان که به کسب آزادی مردم را تشویق می کند.

«برابر آموزه ی دین بهی با هر آن کس که سزاوار است <بر ضد او در راه خدا > پیکار کنیم نیز سزاوار کینه کشی است . پیکار < در راه خدا > با آن کس سزد که او در کار ستیزندگی و زیان گری بر مردم است.



و نیز با آن کس >پیکار در راه خدا سزاوار است که خیم - و - خوی آنان < گراینده به یاری جان > خدا جویانه ی مردم نیست . که اینان (دارندگان خیم - و - خوی تباه و ناگردیدنی به نکوکاری) همان دیوان اند و بهمراه شان نیز آن تبه کارانی که > نمایان < به یاری مردم اند ولی از اینان هیچ یاری ای به مردم نخواهد رسید > آن کس < که یاور ستیزندگان با مردم است همانا یاور دیوان است؛ > و این از آموزه های دین < پیداست . > اکنون < پند دین با مردمان نیکو > سرشت < : . > (فضیلت، ۱۳۸۱: ۸۲)

اگر بر عقاید خود برای جنگ پافشاری کردند، آن گاه برای اثبات حقیقت خود چاره ای جز دفاع و جنگیدن نیست.

۳-۲- اعتراض نسبت به وضع موجود و مقاومت در برابر زورگویی

پس از آن که همه گفتار دین اورمزد را با در نظر گرفتن اندازه و با سنجش ، با محاسبه ای هر چه شگفت تر به گشتاسب و جهانیان عرضه کرد سپس در برابر هم پیکاران (رقیبان) که بسیار خصمانه در برابر سخن او بودند ایستادگی کرد.... پس رام شاه کی گشتاسب با وجود بیم از خیونان که دشمن دین بودند و به دلیل این که فره و راز بزرگ را دید رواج دین را پذیرفت. (آموزگار، ۱۳۸۶: ۳۲)

« هم چنین فریدون نیز به سبب بستن اژدهاک (ضحاک) برای باز ایستادن (متوقف کردن) آزار ضحاک کرداران خوانده شود. و گرشاسپ >به سبب < کشتن راهداران و همه دزدان برای باز ایستادن آزار دزد کرداران، خوانده شود.» (راشد محصل، ۱۳۶۶: ۵۴)

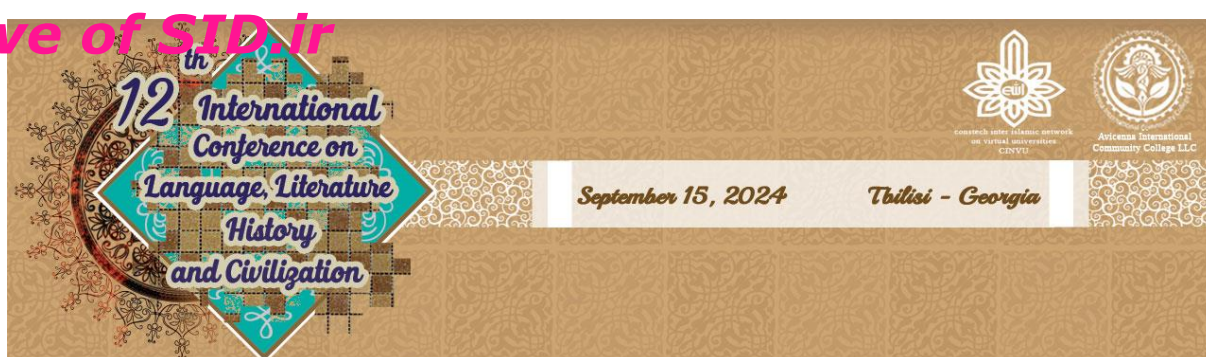
۳-۳- ایستادگی در برابر نفس سرکش و مبارزه با شیطان

« کسی که برای خواستن سود و نیکی خویش از بدی نسبت به دیگران پرهیز کند.» (تفضلی، ۱۳۵۴: ۵۴)

در جواب این سؤال که کدام مرد دلیرتر می آورد: «آن مرد شجاع تر است که با دروج خود (دیو) خویش بتواند ستیزه کند.» (تفضلی، ۱۳۵۴: ۵۹)

« به نیرو کسی شایسته تر است که چون او را خشم گیرد ، بتواند خشم را بنشانند و گناه نکند و خویشتن را آرام گرداند.» (تفضلی، ۱۳۵۴: ۵۵ و ۵۶)

در آبان یشت (یشت ۵ بند ۲۲) آمده است که هوشنگ پیشدادی با تقدیم قربانی از اردوی سور ناهید درخواست کرد که « باشد که از میان ببرم دوسوم دیوان مازنی و بدکاران پیرو شهوت را.» و ایزد ناهید این درخواست او را اجابت کرد . در زام یشت (یشت ۱۹ بند ۲۶) نیز آمده است که « فره با هوشنگ پیشداد همراه بود...وی دو سوم دیوان مازنی و بدکاران پیرو شهوت را کشت.» در تاریخ طبری بدون ذکر نام دیوان مازنی آمده است که هوشنگ ابلیس و لشکر او را شکست داد و از اختلاطشان با مردم جلوگیری کرد و از آنان تعهد گرفت که به مردمان تجاوز نکنند و متمردان و دسته ای از غولان آنان را بکشد. (تفضلی، ۱۳۵۴: ۱۱۷)



به افسانه سوار شدن تهمورث بر اهرمن در زام یشت اوستا چنین اشاره شده است: « تهمورث زیناوند (هوشیار) آن فره را به دست آورد .. که بر همه دیوان و مردمان و جادوگران و پریان غالب شد و به مدت سی سال اهرمن را به شکل اسب درآورده بر او سوار شد». (تفضلی، ۱۳۵۴: ۱۱۸)

۳-۴- دشمن ستیزی و تحقیر و تقبیح دشمن

از نظر مینوی خرد یکی از راه هایی که می توان به بهشت رسید، دشمن ستیزی است: « کسی که نیکان را یار و بدان را دشمن باشد» (مینوی خرد ص ۵۴) که این کار با تکیه بر نیروی خرد امکان پذیر است: « و نیز ستیز و کارزار ایرانیان با نا ایرانیان و زدن اهرمن و دیوان را به نیروی خرد می توان کرد.» (تفضلی، ۱۳۵۴: ۷۴) « و نیز اهرمن و دیوان مردی را بیشتر می فریبند و به دوزخ می کشند که از نظر خرد درویش تر و از جهت خیم سبک تر است. » (تفضلی، ۱۳۵۴: ۷۵) در داستان اردشیر بابکان اردشیر با اردوان پنجم به ستیز برمی خیزد و او را از سر راه برمی دارد به امپراتوری اشکانیان پایان داده و سلسله ساسانیان را بنیان می نهد:

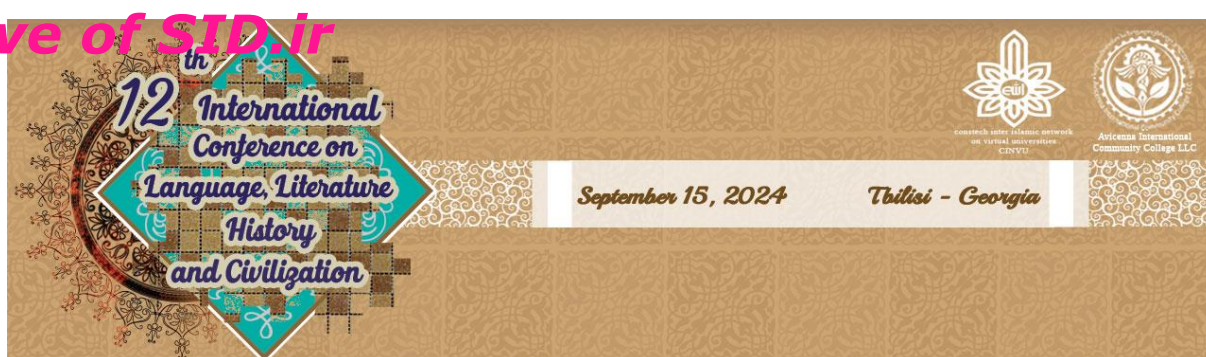
« چهارماه هر روز کارزار و کشتار بسیار بود اردوان ازری و دنباوند و دیلمان و پندشخوارگر سپاه و آخور خواست. از آن چون فره - کیان با اردشیر بود ، اردشیر پیروزی وندید (به دست آورد) و ش اردوان را کشت و همگی هیر و خواسته به دست اردشیر آمد» (هدایت، ۱۳۸۳: ۲۰۴ و ۲۰۵).

در پرسش سی ام کتاب مینوی خرد، در جواب سوال وظیفه هر یک از طبقات روحانیان و نظامیان و دهقانان چیست؟ می گوید: « وظیفه ی نظامیان دشمن زدن و شهر و بوم خویش را ایمن و آسوده داشتن است.» (تفضلی، ۱۳۵۴: ۴۸) ولی در چشم ایزدان و امشاسپندان درویش بی گناه و دانا، بهتر و گرامتر از صاحب قدرت و توانگر نادان است. (تفضلی، ۱۳۵۴: ۷۷)

این نیز پیداست که مرد نادان بدخیم اگر هم بسیار به احترام و توانگری و قدرت برسد ، با این همه نباید برای آن نیکی و قدرت بدو احترام گزارد. (تفضلی، ۱۳۵۴: ۷۶)

این ستیزه و جنگ با دشمن تا زمان رسیدن به پیروزی و در نهایت به آرامش رسیدن مبارزان راه آزادی ادامه دارد: درباره ی < زمان > آرام و قرار ایزدان پاک مینوی ، آن هنگام که درد و رنج همگوهرا ن شان را در نبرد علیه آمیختگی > جهان با آلودگی اهریمن < می بینند؛ برابر آموزه ی دین بهی.

ایزدان پاک مینوی ، هنگام دیدن درد و رنج همگوهرا ن شان در دارزنای نبرد بر ضد آمیختگی < با آلودگی اهریمن >، زمانی آرام و قرار خواهند گرفت که فرجام پیروزمندانه ی رزم ایشان - همان همگوهرا ن ایزد و همان آفریده های اورمزد - را بر دیوان < جهان > تاریکی و سپاه دروج ، و ، به پس راندن شدن تازش > اهریمن < را از آفریده ها حی اورمزد ، و ، سامانش جاودانه ی همگوهرا ن یزدان را در همه گونه نیکی ، و ، فراز آمدن دلاهنگ ایشان را به سوی آنچه رامش ناگذرنده است ببینند. (فضیلت، ۱۳۸۱: ۸۴). (یعنی : ایزدان پاک مینوی ، تنها زمانی آرام و قرار خواهند گرفت و به شادمانی



خواهند رسید که، هستومندان پاکِ اورمزد، در جهان مادی آمیخته با تازشِ آلوده کننده‌ی اهریمن، در نبرد میان راستی و هرآن ناراستی و کژی، بر هر آن ناراستی و کژی پیروز شده باشند. (فضیلت، ۱۳۸۱: ۸۵)

۳-۵- وطن دوستی و توصیف ویژگی های وطن

جواب مینوی خرد در قسمت سی و دوم در به این پرسش که کدام سرور و سرزمین بدتر است این گونه است: «آن سروری بدتر است که نتواند کشور را ایمن و مردمان را بی ستم دارد» «آن سرزمینی بدتر است که به نیکی و ایمنی و آسایش در آن نتوان زیست.» (تفضلی، ۱۳۵۴: ۴۹)

۳-۶- انتقاد از بی بصیرتی حاکمان

فرجام شهریاری نیکو، نابودی سرتاسرانه‌ی تازش اهریمنی فرا رسیدنِ زمان نو سازی دو جهان و، فروآمیزی دوباره به همان نیروی آغازینی که از آن شاخه گرفته بود می‌باشد. فرمانرو پادشاهی بد، کژآگاهی و دروغ زنی و بدی است. زمانه اش، زمانه‌ی < سربر آوردن > دیوان است. <نشانه‌ی > آشکاری اش، آلودگیِ جهان از راه بی داد و دشواری و ویرانی‌ای < در زندگانی تودگان > است که پی آیند آن می‌باشد. کژآگاهی و دروغ زنی کژآگاهان و دروغ زنان و دیگر بدان درفرازند. مردم سزاوار مهتری سر به کهتری می‌گذارند و، برزنیان لایق کهتری منصب مهتری می‌یابند؛ تودگان راست تنگی و دشواری؛ و نیکی (۴) این سیاست باز آن است که به میانجی پادشاهی بد او، جهان مادی دست آموز زدارمینو می‌گردد. بنیانش بهره‌مندی از سیاست پیشگی زدارمینو است. فرجامش، نابودی سرتاسرانه‌ی هر چه که بن و بهره از گوهر او دارد می‌باشد؛ این است راز آشکاری دین بهی. (فضیلت، ۱۳۸۱: ۱۷۶)

۳-۷- انتقاد از دگرگونی ارزش ها

در کتاب زندوهومن یسن اورمزد درباره‌ی ویژگی های دهمین صدسال به زرتشت چنین می‌گوید: «ای سپیتامان زرتشت! این ده‌های ایران را که من اورمزد آفریدم، به زیان جویی و بیدادی (فرمانروایی بیدادانه) بر کنند. آن دیوان ژولیده موی فریفتار باشند [چون آنچه که گویند نکنند؟]» و بدترین دین دارند [چون آنچه که گویند نکنند؟] «ایشان را پایداری در گفتار و پیمان و راستی و آیین نیست؛ و زنه‌ار ندارند و به گفته‌ی خود استوار نباشند. و این ده‌های من اورمزد را که آفریدم به فریفتاری و آز و فرمانروایی بیدادانه بر کنند.»



« اندر آن هنگام، ای سپتامان زرتشت! همه مردم فریفتار باشند ([بدخواه یکدیگر باشند؛]) و مهرورزی بزرگ دیگر گونه باشد و آزر و دل بستگی و روان دوستی از جهان بشود ». (هدایت، ۱۳۸۳: ۴۳)

۳-۸- ذکر دلاوری‌ها و پایداری‌های مردمی و تکیه بر مردم‌داری

درباره‌ی آن کس که سزاوار کینه‌کشی است، برابر آموزه‌ی دین بهی. برابر آموزه‌ی دین بهی با هر آن کس که سزاوار است بر ضد او در راه خدا پیکار کنیم نیز سزاوار کینه‌کشی است. پیکار در راه خدا با آن کس سزد که اودر کار ستیزندگی و زیان‌گری بر مردم است. و نیز با آن کس پیکار در راه خدا سزاوار است که خیم و خوی آنان گراینده به یاری جان خدا جویانه‌ی مردم نیست که اینان دارندگان خیم و خوی تبه‌ونا گردیدنی به نکوکاری همان دیوان‌اند و به همراهشان نیز آن تبه‌کارانی که نمایان به یاری مردم‌اند ولی ازینان هیچ یاری‌ای به مردم نخواهد رسید آن کس که یاور ستیزندگان با مردم است همانا یاور دیوان است و این از آموزه‌های دین پیداست. (فضیلت، ۱۳۸۱: ۸۲)

۳-۹- نوید دادن پیروزی در آینده و اعتقاد به ظهور منجی

ادبیات پایداری جلوه‌ای از ادبیات موعود است. ما به عنوان یک انسان مسلمان چشم به آینده موعود دوخته‌ایم. آینده‌ای که خورشید مهدویت در آسمان جهان می‌درخشد و مستضعفان به وراثت زمین برگزیده می‌شوند. بنابراین ادبیات ما باید از هم اکنون چشم به افق این آینده موعود بدوزد.

در همه‌ی ادیان امید به ظهور یک منجی امید به آینده را رقم می‌زند و در دین زرتشت هم منجی با نام سوشیانس جلوه‌گر می‌شود، دست به اصلاح امور می‌زند و زمینه رستاخیز را فراهم می‌سازد. در کتب پهلوی چون بندهش زرتشت نامه جاماسپ نامه که به تبیین عقاید دین زرتشت پرداخته نیز به این موضوع اشاره شده است:

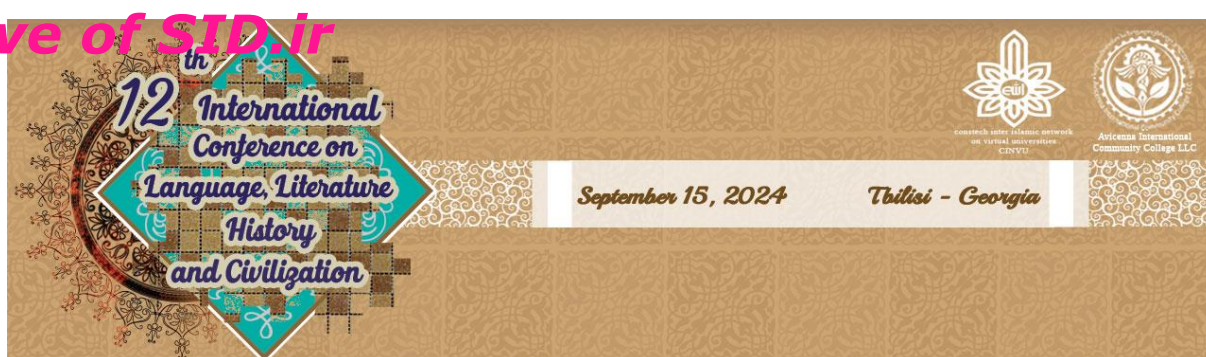
« پس تا من هزاره را به انجام برسانم دروغ‌گویی و دشمنی ازین جهان بشود و سپس سوشیانس باز آفریدگان را ویژه کند و رستاخیز و تن‌پسین (معاد جسمانی) بیابد. » (هدایت، ۱۳۸۳: ۷۳)

« پس هزاره سوشیانس اندر آید. سوشیانس به همپرسه (مشورت) اورمزد رود دین پذیرد و به جهان روا کند. » (همان ص ۱۲۷)

و با پیوستن < مردم و دین > به سوشیانس پسر زرتشت است که به دست او کالبد همه‌ی رسته‌های آشموخی شکسته خواهد شد. (فضیلت، ۱۳۸۱: ۱۸۵)

۳-۱۰- غیرت دینی بر ضد استعمار و استبداد

در زند و همن یسن در مورد سرانجام ضحاک می‌آورد:



«پس اورمزد، سروش - نیروسنگ - را بفرستد که: سام نریمان را بینگیزد. نیرویشان را چنانکه بود باز دهند. سام برخیزد و به سوی ازی دهاک شود. ازی دهاک که سام نریمان را ببیند به سام نریمان گوید که: سام نریمان! هر یک دوستیم، بیاور (یقین کن) تا من خداوند و تو سپه سردار من باشی و این جهان باهم بداریم! سخن نه نیوشد و او گریزی بر سر آن دروند زند. آن دروند به سام گوید که: مرا مزن! تو خداوند و من سپه سردار باشیم و این جهان را با هم بداریم و سام سخن آن دروند را نشنود و گریزی دیگر بر سر آن دروند زند و او بمیرد.» (هدایت، ۱۳۸۳: ۱۲۷)

در مینوی خرد درباره سرانجام ضحاک آمده است: «چه پیداست که اهرمن به زردشت گفت که اگر از این بهدین مزدیسان باز ایستی، آنگاه ترا هزار سال سلطنت گیتی دهم، همچنانکه به و ذغان فرمانروا، ضحاک، دادم. زردشت به سبب پرخردی و خیم و رفتار نیکو (به آن سخن) گوش فرامداد و به آن فریب گنا مینوی (اهرمن) ملعون فریفته و گمراه نشد و به اهرمن گفت که می شکم، نابود می کنم و سرنگون می کنم ترا و کالبد شما دیوان و دروجان و جادوگران و پریان را با هوم و برسم و با دین راستی به^۵ (بهدین) که آفریدگار اورمزد به من آموخت. اهرمن چون آن سخن شنید مبهوت و مغلوب شد و به دوزخ دوید و زمان درازی مبهوت بر جای ماند.» (تفضلی، ۱۳۵۴: ۷۵)

۳-۱۱- ذکر اوصاف بیگانگان و نفرت از بیگانه

درباره ی انواع ستیزندگان با آفریدگان اورمزدی و <درباره ی چگونگی > نابودی و نیرو گرفتنِ شان، برابر آموزه ی دین بهی.

انواع ستیزندگان با آفریدگان اورمزدی روی هم رفته سه است:

یکی پتیاره های تازش آورنده بر <جهان> مینوی یکی <دیگر> پتیاره های تازش آورنده بر گوهر درون؛ و سومی پتیاره های تازش آورنده بر تن <آفریده ها> است.

۱- پتیاره های تازش آورنده بر جهان مینوی دیو و دروج جهان مینوی اند.

<الف: راه > نابودی شان <کار بست > نیرنگ ها و یزش های دین بهی و کوشش <برای آبادانی گیهان > و دیگر آیین های خوب <اورمزدپسند > است.

<ب: راه > نیرو گرفتنِ شان <نیرو گرفتن > بددینی و دیوپرستی و دیگر آیین های بد <اهریمن پسند > است.

۲- پتیاره های تازش آورنده بر گوهر درون:

آز و شک و دیگر پتیاره های سرشت و پتیاره <های هنر اخلاقی > اند.

<الف: راه > نابودی شان <زور آوردن > خرد خدایی است <که خود > استوار بر خوب نگه داری تن؟ به کمک رای و- روش های پزشکی - دارویی می باشد.

<ب: راه > نیرو گرفتنِ شان شهوت <پرستی > و دیگر دروجان که بر گوهر درون چیره می شوند می باشد.

۳- و پتیاره های تازش آورنده بر تن:



آزار رسانان این جهانی و دیو پرستان و تبه کاران و گرگان و خزندگان اهریمنی اند
 <الف: شیوه ی > نابودی شان بیش از هر چیز با گرز و مارگشِ مردِ دین آگاهِ خداترسِ خداجوست؛ که در این کار جواز دارد.

<ب: راه > نیرو گرفتنِ شان از بسیاریِ هواخواهانِ درندگان و خزندگانِ اهریمنی و دیو پرستانِ زمینی و نیز بسیاریِ آشموغان می باشد. (فضیلت، ۱۳۸۱: ۸۳)

۳-۱۲- توصیف جامعه‌ای مطلوب در پرتو حکومتی دادگر و آرمان خواه

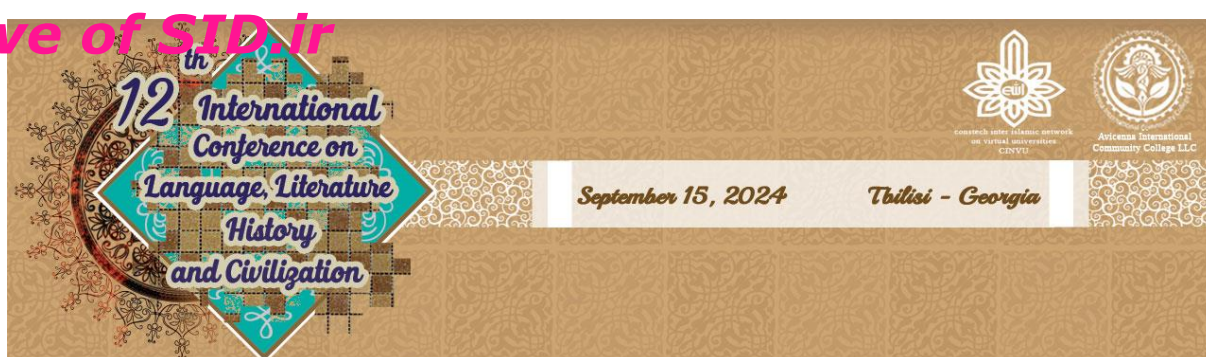
«درباره هنر ها > ای اخلاقی > ای که شهریار - از بهر فرازینگی اش بر مردمان - می باید جمع داشته باشد تا به میانجی آن هنرها > ای اخلاقی > تودگان و ویژگان را ویژگی‌تر کند و خود نیز خداوندگاری سودمند تر شود برابر آموزه ی دین بهی. در میان > آن همه هنرهای اخلاقی > سه تای آنان برترین اند:

<نخست > آن > هنرهای اخلاقی > که شهریار در برخورد با تودگان > می باید رعایت کند >:

راست گفتاری، نکویی را پاداش دادن و بدی را راندن؛ تا به میانجی این تودگان، > گراینده > به نکویی و روی گردان از بدکاری شوند؛ باشد جهان از راه داد و کرفه کاری ویراسته گردد. (فضیلت، ۱۳۸۱: ۱۸۰)

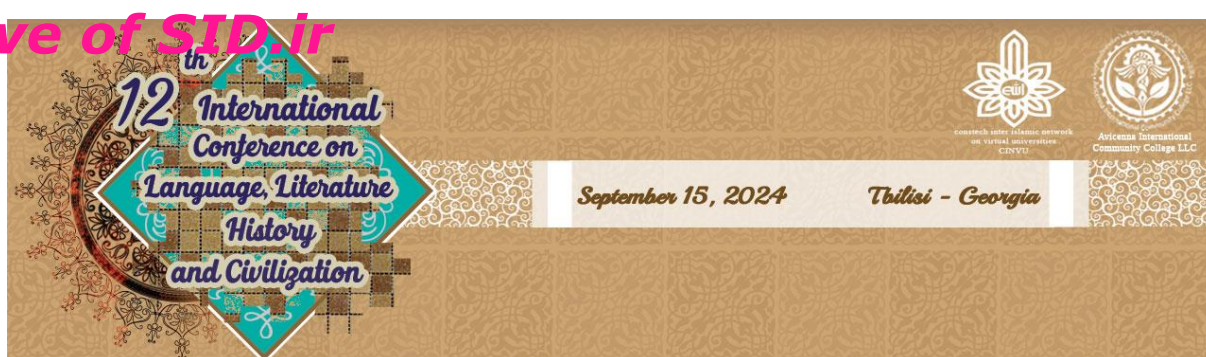
«درباره آن هنر > های اخلاقی > که اورمزد جهان آفرین به یوبه ی آن ها زرتشت اسپیتامان فروهر ستوده را برای پیامبری دین مزدایی پسندیده تر داشت برابر آموزه ی دین بهی.

آن هنرهای اخلاقی که اورمزد جهان آفرین به یوبه آن ها زرتشت اسپیتامان فروهر ستوده را برای پیامبری دین مزدایی بیش تر از هر هستومند گیتایی پسندیده تر داشت بسیارند؛ گزیده ی آن ها این است: آرمان خواهی > یکسره > در کار به تباهی کشاندن تازش اهریمن بودن. (فضیلت، ۱۳۸۱: ۱۸۴)



۴- نتیجه

در آثار مطالعه شده بیشترین چیزی که از مؤلفه های ادبیات پایداری به چشم می خورد، نبرد اهریمن و اهورامزدا در دین زرتشت تلاشی برای پیروزی است و برای تحقق این هدف گاهی با ذکر اوصاف حاکمان به روشنگری پرداخته می شود؛ گاهی حاکمان عادل و دادگر ستایش می شوند؛ و گاهی برای بهتر شدن زندگی جوامع بشری، توصیه هایی مطرح می گردد و در نهایت مردمان به ایستادگی در برابر جور مخالفان ترغیب می شوند و نیز امید به آینده در سوشیالیسم که به عنوان منجی معرفی می شود، متجلی می گردد. در میان همه متون پهلوی و زرتشتی، نوشته ی «یادگار زریران» نمونه ی بارزی از ادبیات پایداری است. در این داستان بعد از این که گشتاسب و خاندان او به دین مزدا پرستی گرایش پیدا می کنند، ارجاسب از او می خواهد یا دست از دین نو بردارد یا آماده جنگ شود و زریر برادر او پاسخ نامه را با شجاعت می دهد و با ارجاسب قرار جنگ می گذارد و در این جنگ زریر کشته می شود و بستور (پسر زریر) با ویدرفش جادو دلاورانه می جنگد. دعوت به آزادی و آزادی، اعتراض نسبت به وضع موجود و مقاومت در برابر زورگویی، ایستادگی در برابر نفس سرکش و مبارزه با شیطان، دشمن ستیزی و تحقیر و تقبیح دشمن، وطن دوستی، انتقاد از بی بصیرتی حاکمان و دیگر گونی ارزش ها، ذکر دلاوری ها و و پایداری ها، نوید دادن پیروزی در آینده و اعتقاد به ظهور منجی، غیرت دینی بر ضد استعمار و استبداد، ذکر اوصاف بیگانگان و توصیف جامعه ای مطلوب مؤلفه هایی است که در بررسی کتب نثر قرون اول تا سوم می توان به آن ها اشاره کرد.



منابع

- آل بویه لنگرودی ، عبدالعلی، ۱۳۹۰، جلوه‌های پایداری در شعر ابوالقاسم شابی، نشریه ادبیات پایداری، سال دوم، شماره ۴، بهار.
- بصیری ، محمد صادق، ۱۳۸۷، « طرح و تو ضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری»، نامه پایداری (مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری دانشگاه کرمان)، تهران ، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- تفضلی ، احمد، ۱۳۵۴، (مترجم) ، مینوی خرد، ، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- چهرقانی ، رضا، ۱۳۹۶، ادبیات پایداری در ایران (بازشناسی مؤلفه ها ، فرصت ها و چالش ها) ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، سال هفتم ، شماره دوم، تابستان.
- راشد محصل ، محمد تقی ، ۱۳۶۶، گزیده های زادسپرم ، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رحماندوست، مجتبی ، ۱۳۷۹، رمان مقاومت، منابع، مضامین و بایدها مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان ، شماره ۱۵۶.
- شکری ، غالی، ۱۳۶۶، ادب المقاومة ، ترجمه محمد حسین روحانی ، بیروت ، تهران، نشر نو.
- صفا ، ذبیح الله، ۱۳۶۷، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ هشتم ، تهران، انتشارات فردوس.
- عریان ، سعید، ۱۳۷۱، متون پهلوی ، ، تهران، انتشارات کتابخانه ملی ایران.
- فضیلت ، فریدون، ۱۳۸۱، (مترجم) ، کتاب سوم دین کرد (درس نامه دین مزدایی) ، تهران، نشر فرهنگ دهخدا .
- هدایت ، صادق ، ۱۳۸۳، (مترجم) زند و هومن یسن (بهمن یشت) (مسأله رجعت و ظهور در آیین زرتشت) و کارنامه اردشیر بابکان، تهران ، جامه دران.